



Print ISSN: 2423-4869
Online ISSN: 2423-4850



FAMILY PATHOLOGY JOURNAL

Volume 9 - Issue 1 (8-2023 - Serial : 17) Online Publication Date: 2026

The Impact of Social Media Filter Bubbles on Family Communication and Intimacy

[Zhiran yoosefi](#) Student, Department of Education, Tehran, Iran
zhiranyoosefi7@gmail.com

[Naser yoosefi](#) Full Professor, Department of Counseling, University of Kurdistan,
Sanandaj, Iran. naseryoosefi@yahoo.com

Abstract

The widespread use of social networks and the deep integration of machine learning algorithms into these platforms have increasingly personalized individuals' information environments. By analyzing users' behaviors, including searches, views, likes, shares, and duration of engagement, these algorithms prioritize content that aligns with their existing interests and beliefs. The present study argues that this mechanism not only limits information diversity but also makes attitude revision more difficult by reinforcing confirmation bias. When inaccurate or biased beliefs are present, it may further contribute to their consolidation. When family members, including parents and children as well as couples, are exposed to different information environments, misunderstandings may not only remain unresolved but may also intensify as each party repeatedly encounters content that reinforces their own perspectives. Using a narrative review and analytical approach, this study examines the conceptual mechanisms linking filter bubbles to the quality of family relationships by reviewing existing evidence on echo chambers, technof erence, and the effects of polarization on intimate relationships. The analysis of the literature suggests that filter bubbles may constitute one of the structural factors contributing to reduced mutual understanding, increased conflict, and the erosion of family intimacy. However, the strength and direction of this association depend on the nature of social media use, relationship quality, media literacy, and social conditions. Further empirical research is needed to establish a direct causal relationship. Finally, several strategies are proposed, including strengthening algorithmic literacy, diversifying information sources, creating a safe space for family dialogue, and reducing smartphone interference during face-to-face interactions.

Keywords: Machine Learning Algorithms; Filter Bubble; Confirmation Bias; Family



Print ISSN: 2423-4869
Online ISSN: 2423-4850



FAMILY PATHOLOGY JOURNAL

Volume 9 - Issue 1 (8-2023 - Serial : 17) Online Publication Date: 2026

تأثیر فیلترهای حبابی شبکه‌های اجتماعی بر ارتباطات و صمیمیت خانواده

ژیران یوسفی

دانش آموز، آموزش و پرورش، تهران، ایران

zhiranyoosefi7@gmail.com

ناصر یوسفی

استاد تمام، گروه مشاوره، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

naseryoosefi@yahoo.com

چکیده

گسترش شبکه‌های اجتماعی و ادغام عمیق الگوریتم‌های یادگیری ماشین در آن‌ها، محیط اطلاعاتی افراد را به‌طور فزاینده‌ای شخصی‌سازی کرده است. این الگوریتم‌ها با تحلیل رفتار کاربران (جست‌وجو، مشاهده، پسند، اشتراک‌گذاری و مدت تعامل)، محتوایی را اولویت‌بندی می‌کنند که با علایق و باورهای پیشین آنان همسو است. پژوهش حاضر استدلال می‌کند که این سازوکار نه تنها تنوع اطلاعاتی را محدود می‌کند، بلکه از طریق تقویت سوگیری تأییدی، بازنگری نگرش‌ها را دشوار می‌سازد و در صورت وجود باورهای نادرست یا سوگیری‌شده، می‌تواند به تثبیت آن‌ها کمک کند. هنگامی که اعضای خانواده، شامل والدین و فرزندان و نیز زوجین، در محیط‌های اطلاعاتی متفاوت قرار می‌گیرند، سوءتفاهم‌ها ممکن است نه تنها حل نشوند، بلکه در اثر مواجهه مکرر هر طرف با محتوای تأییدکننده دیدگاه خود تشدید شوند. این پژوهش با رویکرد مروری - تحلیلی و بررسی مفهومی شواهد موجود درباره اتاق‌های پژواک، تکنوفرنس و تأثیر قطبی‌سازی بر روابط صمیمانه، سازوکارهای احتمالی ارتباط میان فیلتر حبابی و کیفیت روابط خانوادگی را بررسی می‌کند. تحلیل منابع نشان می‌دهد که فیلتر حبابی می‌تواند یکی از عوامل ساختاری مؤثر بر کاهش درک متقابل، افزایش تعارض و فرسایش صمیمیت خانوادگی باشد؛ هرچند شدت و جهت این ارتباط به نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی، کیفیت روابط، سواد رسانه‌ای و شرایط اجتماعی وابسته است و برای اثبات رابطه علی مستقیم به پژوهش‌های تجربی بیشتری نیاز دارد. در پایان، راهکارهایی از جمله تقویت سواد الگوریتمی، تنوع‌بخشی به منابع اطلاعاتی، ایجاد فضای امن برای گفت‌وگوی خانوادگی و کاهش مداخله تلفن همراه در تعاملات حضوری ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: الگوریتم‌های یادگیری ماشین؛ فیلتر حبابی؛ سوگیری تأییدی؛ ارتباط و صمیمیت خانوادگی



مقدمه

شبکه‌های اجتماعی با اتکا به الگوریتم‌های توصیه گر، محتوای قابل مشاهده کاربران را بر اساس الگوهای رفتاری آنان سازمان‌دهی می‌کنند. این فرایند اگرچه دسترسی به محتوای موردعلاقه را تسهیل می‌کند، در بلندمدت می‌تواند محیط اطلاعاتی افراد را محدود کرده و مواجهه آنان با دیدگاه‌های متفاوت را کاهش دهد. الگوریتم‌های یادگیری ماشین با تحلیل داده‌هایی مانند جست‌وجو، مشاهده، پسندیدن، اشتراک‌گذاری و مدت تعامل، محتوایی را در اولویت نمایش قرار می‌دهند که احتمال تعامل کاربر با آن بیشتر برآورد می‌شود. در نتیجه، رفتارهای قبلی کاربران می‌توانند در شکل‌گیری محتوایی که در آینده مشاهده می‌کنند، نقش داشته باشند. (Bucher, 2018; Areeb et al., 2023)

یکی از مفاهیم مهم در این زمینه، «فیلتر حبابی» است. این مفهوم به وضعیتی اشاره دارد که در آن شخصی‌سازی الگوریتمی و انتخاب‌های خود کاربران، احتمال مواجهه با محتوای همسو با علایق و باورهای قبلی آنان را افزایش می‌دهد. (Pariser, 2011; Zuiderveen Borgesius et al., 2016) در چنین شرایطی، کاربران ممکن است به تدریج بیشتر با اطلاعاتی روبه‌رو شوند که با دیدگاه‌های پیشین آن‌ها سازگار است و فرصت کمتری برای بررسی دیدگاه‌های متفاوت پیدا کنند. البته وجود الگوریتم‌های شخصی‌سازی به این معنا نیست که تمام کاربران در محیطی کاملاً بسته قرار می‌گیرند؛ میزان و شدت این پدیده به طراحی پلتفرم، رفتار کاربران، نوع محتوا و تنوع منابع اطلاعاتی وابسته است.

(Flaxman et al., 2016; Dubois & Blank, 2018)

در کنار فیلتر حبابی، مفهوم «سوگیری تأییدی» نیز برای درک پیامدهای احتمالی شخصی‌سازی محتوا اهمیت دارد. سوگیری تأییدی به گرایش افراد برای جست‌وجو، تفسیر و به‌خاطر سپردن اطلاعاتی اشاره دارد که با باورها و انتظارات قبلی آن‌ها سازگار است. هنگامی که محتوای همسو به‌صورت مکرر در معرض دید کاربر قرار می‌گیرد، ممکن است احساس آشنایی و اطمینان نسبت به آن افزایش یابد؛ در مقابل، اطلاعات مخالف ممکن است کمتر بررسی شوند یا بدون ارزیابی کافی کنار گذاشته شوند. تعامل احتمالی میان شخصی‌سازی الگوریتمی و سوگیری تأییدی می‌تواند بازنگری باورها را دشوارتر کند، به‌ویژه زمانی که فرد به منابع متنوع و مستقل مراجعه نمی‌کند.

باین‌حال، لازم است میان فیلتر حبابی، اتاق پژواک و انتخاب گزینشی اطلاعات تمایز گذاشته شود. فیلتر حبابی بیشتر بر محدودشدن نسبی محیط اطلاعاتی در نتیجه شخصی‌سازی و انتخاب کاربر تأکید دارد؛ اتاق پژواک به محیطی اشاره می‌کند که در آن دیدگاه‌های مشابه تقویت می‌شوند و امکان مواجهه مؤثر



با دیدگاه‌های مخالف کاهش می‌یابد. انتخاب گزینشی اطلاعات نیز به تمایل فرد برای انتخاب منابع یا محتواهای سازگار با نگرش‌های خود مربوط است. این مفاهیم با یکدیگر ارتباط دارند، اما یکسان نیستند و نباید آثار آن‌ها بدون بررسی دقیق، معادل یکدیگر در نظر گرفته شود.

(Flaxman et al., 2016; Zuiderveen Borgesius et al., 2016; Dubois & Blank, 2018; Hart et al., 2009)

اهمیت بررسی این پدیده زمانی بیشتر می‌شود که تأثیر احتمالی آن بر روابط خانوادگی مورد توجه قرار گیرد. خانواده یکی از مهم‌ترین محیط‌های شکل‌گیری باورها، انتقال ارزش‌ها، رشد هویت و یادگیری مهارت‌های ارتباطی است. اعضای خانواده در بسیاری از مسائل روزمره، تربیتی، فرهنگی و اجتماعی نیاز دارند درباره اطلاعات، تجربه‌ها و دیدگاه‌های خود گفت‌وگو کنند. اگر محیط اطلاعاتی هر فرد به تدریج با محیط اطلاعاتی دیگر اعضای خانواده متفاوت شود، ممکن است برداشت‌های متفاوتی از یک موضوع مشترک شکل بگیرد. چنین تفاوتی به‌خودی‌خود زیان‌بار نیست، اما در صورت همراه شدن با بی‌اعتمادی، قضاوت شتاب‌زده یا ناتوانی در شنیدن دیدگاه مقابل، می‌تواند زمینه اختلاف را افزایش دهد.

در روابط والدین و فرزندان، تفاوت سنی، تجربه‌های زندگی، علایق و شیوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی ممکن است به تفاوت در نوع محتواهای مشاهده‌شده منجر شود. برای مثال، والدین و فرزندان ممکن است درباره مسائل تربیتی، سبک زندگی، روابط اجتماعی یا ارزش‌های فرهنگی با اطلاعات و تفسیرهای متفاوتی مواجه شوند. اگر هر یک از طرفین دیدگاه خود را تنها برداشت معتبر بدانند، امکان گفت‌وگوی سازنده کاهش می‌یابد. والدین ممکن است دیدگاه فرزندان را نتیجه تأثیر شبکه‌های اجتماعی تلقی کنند، درحالی‌که فرزندان ممکن است نگرانی‌های والدین را ناشی از درک نکردن شرایط نسل جدید بدانند. در این وضعیت، اختلاف اطلاعاتی می‌تواند به فاصله ارتباطی تبدیل شود؛ هرچند برای نسبت‌دادن مستقیم این فاصله به الگوریتم‌ها، شواهد تجربی اختصاصی لازم است.

در روابط زوجین نیز محیط‌های اطلاعاتی متفاوت ممکن است بر شیوه تفسیر مسائل مشترک تأثیر بگذارد. زوجین ممکن است درباره مسائل سیاسی، فرهنگی، تربیتی یا سبک زندگی، محتواهای متفاوتی دریافت کنند. اگر هر فرد در شبکه اجتماعی با مطالبی مواجه شود که دیدگاه او را تأیید می‌کنند، ممکن است اطمینان بیشتری نسبت به موضع خود پیدا کند. در صورتی که طرف مقابل نیز تجربه مشابهی داشته باشد، اختلاف می‌تواند به تقابل دو برداشت تقویت‌شده تبدیل شود. در چنین شرایطی، مسئله فقط تفاوت در اطلاعات نیست، بلکه دشواری پذیرش احتمال خطا، بررسی شواهد مخالف و درک تجربه طرف مقابل نیز اهمیت پیدا می‌کند.

عامل دیگری که در بررسی روابط خانوادگی باید مورد توجه قرار گیرد، «تکنوفرنس» یا مداخله فناوری در تعاملات حضوری است. این مفهوم به موقعیت‌هایی اشاره دارد که استفاده از تلفن همراه یا سایر ابزارهای دیجیتال، جریان ارتباط رو در رو را قطع یا مختل می‌کند. برای مثال، بررسی مکرر شبکه‌های



اجتماعی هنگام غذاخوردن، گفت‌وگوهای خانوادگی یا زمانی که یکی از اعضای خانواده به حمایت عاطفی نیاز دارد، ممکن است فرصت گوش دادن و پاسخ‌گویی عاطفی را کاهش دهد. مرورهای پژوهشی درباره فناوری و روابط خانوادگی، ارتباط میان برخی الگوهای استفاده از فناوری و کیفیت روابط را گزارش کرده‌اند؛ باین حال، جهت و شدت این ارتباط‌ها به نوع استفاده، زمینه خانوادگی و ویژگی‌های افراد وابسته است. (Tammissalo & Rotkirch, 2022) بنابراین، تکنوفرنس و فیلتر حبایی دو پدیده متفاوت‌اند، اما ممکن است در برخی شرایط هم‌زمان بر کیفیت ارتباطات خانوادگی اثر بگذارند.

پژوهش‌های مرتبط با اتاق‌های پژواک و مصرف اخبار آنلاین نیز نشان می‌دهند که مواجهه با اطلاعات همسو و میزان تنوع اطلاعاتی کاربران، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی و ساختاری قرار دارد. برای نمونه، مطالعات مربوط به مصرف اخبار آنلاین و مواجهه با دیدگاه‌های ایدئولوژیک متفاوت، ضرورت توجه هم‌زمان به رفتار کاربران، ساختار پلتفرم‌ها و تنوع منابع را برجسته کرده‌اند.

(Flaxman et al., 2016; Bakshy et al., 2015; Dubois & Blank, 2018)

ازاین‌رو، نمی‌توان تمام اختلاف‌های خانوادگی را به شبکه‌های اجتماعی یا الگوریتم‌های توصیه‌گر نسبت داد؛ بلکه باید این عوامل را در کنار کیفیت ارتباطات، مهارت‌های حل تعارض، شرایط فرهنگی و اجتماعی و سابقه روابط خانوادگی بررسی کرد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که الگوریتم‌های شخصی‌سازی محتوا چگونه ممکن است از طریق محدود کردن نسبی مواجهه با دیدگاه‌های متفاوت و تقویت سوگیری تأییدی، بر ارتباط و صمیمیت خانواده تأثیر بگذارند. در این چارچوب، دو پرسش مکمل نیز مطرح می‌شود: نخست، این الگوریتم‌ها از چه مسیریایی ممکن است به تثبیت باورها و دشوارشدن بازنگری نگرش‌ها کمک کنند؟ دوم، چه راهکارهایی می‌توانند خطرهای احتمالی این فرایند را در روابط والدین و فرزندان و نیز زوجین کاهش دهند؟

هدف مقاله، بررسی تحلیلی این سازوکارها و تبیین ارتباط احتمالی میان شخصی‌سازی الگوریتمی، تفاوت نگرش‌ها، دشواری گفت‌وگو و کیفیت روابط خانوادگی است. بر همین اساس، مقاله می‌کوشد بدون نسبت دادن قطعی همه تعارض‌ها به الگوریتم‌ها، نقش احتمالی آن‌ها را در کنار سایر عوامل شناختی، ارتباطی و اجتماعی روشن کند و زمینه‌ای برای پژوهش‌های تجربی دقیق‌تر فراهم آورد.



روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، کیفی و کتابخانه‌ای با رویکرد مروری - تحلیلی است. داده‌های پژوهش از منابع مکتوب شامل کتاب‌های نظری، مقالات علمی و مرورهای پژوهشی مرتبط با الگوریتم‌های توصیه‌گر، فیلتر حبایی، سوگیری تأییدی، اتاق‌های پژواک، تکنوفرنس و کیفیت روابط خانوادگی به دست آمده‌اند. در این پژوهش، داده‌میدانی تازه‌ای گردآوری نشده و هیچ پرسش‌نامه، مصاحبه یا آزمایش مستقیمی بر روی خانواده‌ها انجام نشده است.

روش تحلیل بر شناسایی مفاهیم مشترک میان منابع، بررسی ارتباط نظری آن‌ها و صورت‌بندی مسیرهای احتمالی تأثیر شخصی‌سازی محتوا بر روابط خانوادگی استوار است. برای این منظور، ابتدا مفاهیم فیلتر حبایی، سوگیری تأییدی و تنوع اطلاعاتی از یکدیگر تفکیک شده‌اند؛ سپس ارتباط احتمالی آن‌ها با شکل‌گیری برداشت‌های متفاوت، دشواری بازنگری باورها، سوء تفاهم‌های خانوادگی و کیفیت گفت‌وگو بررسی شده است. همچنین، نقش عوامل تعدیل‌کننده‌ای مانند اعتماد، صمیمیت عاطفی، سواد رسانه‌ای و الگوی استفاده از فناوری در تحلیل مورد توجه قرار گرفته است.

از آنجا که پژوهش حاضر کتابخانه‌ای است، نتایج آن در سطح تحلیل مفهومی و تفسیر انتقادی منابع قرار دارند و نباید به عنوان اثبات تجربی رابطه علی مستقیم میان الگوریتم‌های فیلتر حبایی و کاهش صمیمیت خانوادگی تلقی شوند. همچنین، برای افزایش شفافیت روش‌شناختی، در نسخه نهایی مقاله لازم است پایگاه‌های جست‌وجوشده، کلیدواژه‌های جست‌وجو، بازه زمانی بررسی منابع، معیارهای ورود و خروج مطالعات و شیوه ارزیابی کیفیت آن‌ها به‌طور دقیق گزارش شوند. منابعی که مشخصات کتاب‌شناختی کامل یا قابل‌راستی‌آزمایی ندارند نیز باید پیش از انتشار بررسی و تکمیل شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که گفته بررسی مفهومی منابع نشان می‌دهد که ارتباط میان الگوریتم‌های فیلتر حبایی و صمیمیت خانوادگی را باید به‌عنوان پدیده‌ای چندمرحله‌ای و وابسته به شرایط بررسی کرد. شخصی‌سازی محتوا به‌تنهایی الزاماً موجب اختلاف خانوادگی نمی‌شود؛ باین حال، هنگامی که کاهش نسبی تنوع اطلاعاتی با سوگیری تأییدی، اطمینان بیش از حد به باورهای شخصی و ضعف مهارت‌های گفت‌وگو همراه شود، ممکن است زمینه دشوارتر شدن درک متقابل را فراهم کند. این تحلیل با پژوهش‌های مربوط به فیلتر حبایی، اتاق‌های پژواک و انتخاب‌گزینشی اطلاعات هم‌راستا است، هرچند شواهد موجود درباره میزان فراگیری این پدیده و شدت اثر آن در همه کاربران یکسان نیست (Dubois & Blank, 2018; Gulevich & Semiletova, 2026).

نخستین سازوکار احتمالی، محدودشدن نسبی تنوع اطلاعاتی است. هنگامی که الگوریتم‌های توصیه‌گر محتوای موردعلاقه کاربر را در اولویت قرار می‌دهند، ممکن است احتمال مواجهه او با دیدگاه‌های مشابه



افزایش یابد. در این وضعیت، افراد یک خانواده می‌توانند به تدریج با مجموعه‌های متفاوتی از اطلاعات و روایت‌ها مواجه شوند. تفاوت در اطلاعات لزوماً به اختلاف منجر نمی‌شود؛ زیرا اعضای خانواده می‌توانند با گفت‌وگو و بررسی منابع، برداشت‌های یکدیگر را بهتر درک کنند. مشکل زمانی پدید می‌آید که هر فرد، اطلاعات در دسترس خود را کامل و کافی بدانند و برای بررسی دیدگاه مقابل آمادگی نداشته باشد. در این شرایط، گفت‌وگو ممکن است به جای بررسی مشترک واقعیت‌ها، به دفاع از روایت‌های شخصی تبدیل شود.

دومین سازوکار، تعامل احتمالی میان شخصی‌سازی محتوا و سوگیری تأییدی است. اگر فرد بارها با محتوایی روبه‌رو شود که باورهای پیشین او را تأیید می‌کند، ممکن است اعتماد بیشتری به آن باورها پیدا کند و اطلاعات ناسازگار را کمتر مورد توجه قرار دهد. این فرایند می‌تواند بازنگری نگرش‌ها را دشوار سازد، به‌ویژه هنگامی که فرد منابع مستقل را بررسی نمی‌کند یا هر دیدگاه مخالفی را از ابتدا نادرست می‌پندارد (Nickerson, 1998; Hart et al., 2009).

باین حال، تکرار محتوا به خودی خود به معنای نادرست بودن آن نیست و نمی‌توان فرض کرد که همه کاربران به یک اندازه تحت تأثیر چنین سازوکاری قرار می‌گیرند.

این مسئله در روابط خانوادگی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بسیاری از اختلاف‌ها تنها درباره اطلاعات نیستند، بلکه به ارزش‌ها، تجربه‌های شخصی و احساسات اعضای خانواده نیز مربوط می‌شوند. هنگامی که فرد باور خود را بخشی از هویت یا ارزش‌های شخصی‌اش بداند، مخالفت با آن ممکن است به صورت مخالفت با خود او برداشت شود. اگر محیط اطلاعاتی آنلاین نیز پیوسته همان دیدگاه را تأیید کند، احتمال دارد فرد آمادگی کمتری برای شنیدن استدلال‌های متفاوت داشته باشد. در نتیجه، اختلافی که می‌توانست از طریق گفت‌وگو حل شود، ممکن است به تعارضی طولانی‌تر تبدیل شود. این مسیر یک تبیین نظری محتمل است و برای تعیین میزان وقوع آن در خانواده‌ها به بررسی تجربی مستقیم نیاز دارد.

در روابط والدین و فرزندان، تفاوت در تجربه زندگی و شیوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند زمینه تفاوت در برداشت‌ها را فراهم کند. برای مثال، ممکن است فرزند در فضای آنلاین با دیدگاه‌ها و الگوهای رفتاری متفاوتی مواجه شود، درحالی‌که والدین بر اساس تجربه‌های پیشین یا منابع اطلاعاتی دیگر، ارزیابی متفاوتی داشته باشند. اگر والدین همه دیدگاه‌های فرزند را به تأثیر شبکه‌های اجتماعی نسبت دهند، ممکن است فرصت شناخت دلایل واقعی او کاهش یابد. از سوی دیگر، اگر فرزند نیز نگرانی والدین را بدون بررسی، ناشی از ناآگاهی یا تعصب بداند، گفت‌وگوی بین‌نسلی دشوارتر می‌شود. در چنین وضعیتی، الگوریتم‌های شخصی‌سازی ممکن است یکی از عوامل تشدیدکننده تفاوت‌ها باشند، اما اختلاف نسل‌ها را نمی‌توان صرفاً نتیجه عملکرد الگوریتم‌ها دانست.



در روابط زوجین نیز ممکن است مواجهه مکرر با محتوای تأییدکننده، اطمینان هر طرف به موضع خود را افزایش دهد. اگر دو نفر درباره مسئله‌ای اختلاف داشته باشند و هر یک در شبکه‌های اجتماعی مطالبی را مشاهده کنند که دیدگاه او را تأیید می‌کند، ممکن است هر دو تصور کنند شواهد کافی برای درستی موضع خود در اختیار دارند. در چنین شرایطی، به‌جای بررسی دلایل اختلاف و شنیدن تجربه طرف مقابل، احتمال دارد گفت‌وگو به تلاش برای اثبات نادرستی دیگری تبدیل شود. در نتیجه، احساس شنیده‌نشدن، کاهش همدلی و تکرار مشاجره‌ها می‌تواند افزایش یابد. باین حال، برای اثبات اینکه فیلتر حبایی مستقیماً باعث کاهش محبت، جدایی یا افت کیفیت رابطه زناشویی می‌شود، به پژوهش‌هایی نیاز است که این متغیرها را به‌طور مستقیم اندازه‌گیری کنند.

از سوی دیگر، صمیمیت خانوادگی می‌تواند در برابر پیامدهای منفی احتمالی اختلاف‌های اطلاعاتی نقش محافظتی داشته باشد. در خانواده‌هایی که اعضا به یکدیگر اعتماد دارند، دیدگاه‌های متفاوت را بدون تحقیر می‌شنوند و برای بررسی دلایل اختلاف وقت می‌گذارند، امکان تبدیل تفاوت‌ها به فرصتی برای یادگیری بیشتر است. در مقابل، اگر رابطه از قبل با بی‌اعتمادی، فاصله عاطفی یا الگوهای ارتباطی دفاعی همراه باشد، اختلاف‌های مرتبط با محتوای آنالاین ممکن است دشوارتر حل شوند. بنابراین، کیفیت ارتباط خانوادگی نه تنها می‌تواند از پیامدهای احتمالی فیلتر حبایی تأثیر پذیرد، بلکه ممکن است شدت این پیامدها را نیز تعدیل کند.

الگوی استفاده از فناوری نیز در این میان اهمیت دارد. اگر اعضای خانواده در زمان گفت‌وگوهای مهم، غذاخوردن یا فعالیت‌های مشترک دائماً تلفن همراه خود را بررسی کنند، فرصت توجه متقابل و پاسخ‌گویی عاطفی کاهش می‌یابد. این مسئله به مفهوم تکنوفرنس مربوط است و باید از محدودشدن تنوع اطلاعاتی متمایز شود. باین حال، این دو پدیده می‌توانند در یک خانواده هم‌زمان حضور داشته باشند: فرد ممکن است از یک سو با محتوای شخصی‌سازی‌شده مواجه شود و از سوی دیگر، به دلیل استفاده مداوم از تلفن همراه، فرصت گفت‌وگوی حضوری کمتری داشته باشد. پژوهش‌های مرتبط با فناوری و روابط خانوادگی بر اهمیت توجه به نوع استفاده و شرایط تعامل تأکید دارند (Tammisalo & Rotkirch, 2022).

با توجه به این تحلیل‌ها، پاسخ به پرسش اصلی پژوهش آن است که الگوریتم‌های فیلتر حبایی ممکن است از طریق کاهش نسبی مواجهه با دیدگاه‌های متفاوت و تقویت تعامل با محتوای همسو، زمینه تثبیت باورها و دشوارشدن بازنگری نگرش‌ها را فراهم کنند. اگر این وضعیت با سوگیری تأییدی، بی‌اعتمادی و ضعف مهارت‌های ارتباطی همراه شود، احتمال دارد سوءتفاهم‌ها و تعارض‌های خانوادگی افزایش یابند و درک متقابل و صمیمیت آسیب ببینند. این فرایند می‌تواند در روابط والدین و فرزندان و نیز زوجین اهمیت داشته باشد؛ باین حال، اثر آن به شرایط هر خانواده وابسته است و نمی‌توان آن را رابطه‌ای قطعی، یک‌سویه یا یکسان برای همه کاربران دانست.



در پاسخ به پرسش مربوط به راهکارهای کاهش این خطرهای نیز می‌توان بر سه محور اصلی تأکید کرد: نخست، افزایش آگاهی افراد از نحوه عملکرد الگوریتم‌های توصیه‌گر و محدودیت‌های محتوای شخصی‌سازی‌شده؛ دوم، گسترش آگاهانه منابع اطلاعاتی و بررسی دیدگاه‌های متفاوت؛ و سوم، تقویت مهارت‌های گفت‌وگو، گوش دادن فعال و حل تعارض در خانواده. این اقدامات تضمین نمی‌کنند که اختلاف‌ها از بین بروند، اما می‌توانند به اعضای خانواده کمک کنند تا میان تفاوت دیدگاه و بی‌احترامی تمایز بگذارند و درباره دلایل اختلاف، سازنده‌تر گفت‌وگو کنند.

در مجموع، پیشنهاد می‌شود برای مواجهه مؤثر با پیامدهای احتمالی فیلتر جایی، هم‌زمان به تنوع محیط اطلاعاتی و کیفیت تعاملات خانوادگی توجه شود. همچنین، از آنجا که پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و مروری - تحلیلی است، بررسی تجربی این ارتباط‌ها برای تعیین میزان و چگونگی تأثیر الگوریتم‌های توصیه‌گر بر ارتباط و صمیمیت خانواده ضروری است.

در مجموع، فیلتر جایی را می‌توان یکی از عوامل ساختاری بالقوه در شکل‌گیری تفاوت‌های اطلاعاتی و دشوار شدن برخی تعاملات خانوادگی دانست، نه تنها علت کاهش صمیمیت. اهمیت این پدیده در آن است که شخصی‌سازی محتوا ممکن است به تدریج محیط اطلاعاتی افراد را تغییر دهد، بدون آنکه خود آنان از تمام پیامدهای این تغییر آگاه باشند. توجه هم‌زمان به تنوع اطلاعاتی، سواد الگوریتمی و کیفیت ارتباطات خانوادگی می‌تواند زمینه مدیریت بهتر اختلاف‌ها را فراهم کند؛ باین حال، تعیین میزان اثر مستقل الگوریتم‌ها و اثبات رابطه علی مستقیم میان آن‌ها و صمیمیت خانواده، به شواهد تجربی دقیق‌تر نیاز دارد.

محدودیت

پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای و مروری - تحلیلی است و بر بررسی منابع علمی مرتبط با الگوریتم‌های فیلتر جایی، سوگیری تأییدی و روابط خانوادگی استوار است. از این رو، داده‌های میدانی مستقیمی از خانواده‌ها گردآوری نشده و نتایج پژوهش در سطح تحلیل مفهومی و تبیین ارتباط‌های احتمالی قرار دارند. همچنین، تفاوت در روش‌ها و زمینه‌های مطالعات پیشین، تعمیم نتایج مربوط به فیلتر جایی و اتاق‌های پژواک به روابط خانوادگی را با محدودیت مواجه می‌کند. افزون بر این، عواملی مانند کیفیت روابط پیشین، ویژگی‌های فردی، شرایط فرهنگی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌توانند بر ارتباط و صمیمیت خانواده تأثیر بگذارند. بنابراین، نمی‌توان کاهش صمیمیت خانوادگی را صرفاً به عملکرد الگوریتم‌های توصیه‌گر نسبت داد و تعیین میزان تأثیر مستقل آن‌ها به پژوهش‌های تجربی و بررسی مستقیم این متغیرها نیاز دارد.



کاربرد پژوهش

یافته‌ها و چارچوب تحلیلی این پژوهش می‌تواند برای خانواده‌ها، مشاوران خانواده، معلمان، مربیان سواد رسانه‌ای و پژوهشگران حوزه ارتباطات و علوم اجتماعی کاربرد داشته باشد. خانواده‌ها می‌توانند با استفاده از این چارچوب، نقش احتمالی محتوای شخصی‌سازی‌شده را در شکل‌گیری اختلاف‌های روزمره بررسی کنند و به‌جای قضاوت فوری درباره دیدگاه یکدیگر، درباره منابع اطلاعاتی و دلایل اختلاف گفت‌وگو کنند. مدارس و مراکز مشاوره نیز می‌توانند مفاهیم فیلتر حبایی، سوگیری تأییدی و تنوع منابع را در آموزش مهارت‌های ارتباطی و سواد رسانه‌ای به کار گیرند. همچنین، این پژوهش می‌تواند مبنایی برای طراحی مطالعات میدانی درباره ارتباط میان الگوهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تفاوت نگرش‌های بین‌نسلی و کیفیت صمیمیت زوجین فراهم آورد. این کاربردها ناظر بر افزایش آگاهی، پیشگیری از سوء تفاهم و بهبود شیوه گفت‌وگو هستند و به معنای اثبات قطعی اثر علی الگوریتم‌ها بر روابط خانوادگی نیستند.

اخلاق در پژوهش

در نوشتن و استناد دهی منابع و ادبیات در ذکر منبع اصلی اخلاق پژوهش رعایت شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول کل مقاله را نوشته و نویسنده دوم بررسی، ساختار دهی و مشکلات را اصلاح کرده است.

منابع مالی

این پژوهش هیچ گونه حمایت مالی از موسسه، دانشگاه و یا سازمانی نداشته است.

دسترسی به مواد و داده‌ها

در این پژوهش از منابع مکتوب مثل کتاب‌ها و مقالات استفاده شده است. این منابع به آسانی در دسترس محققان قرار دارد.

رضایت برای انتشار

نویسندگان از انتشار این مقاله رضایت کامل دارند.

تصریح درباره تعارض منافع

این پژوهش با منافع شخص یا سازمانی منافات ندارد.

تشکر و قدردانی

از محققین و نویسندگانی که در انجام این پژوهش از یافته‌ها و نتایج تحقیق آن‌ها استفاده کردیم تشکر و قدردانی می‌کنیم.



- Aditia, R. (2025). Reconfiguration media ecology in family communication practices at the era of digital convergence. *Privet Social Sciences Journal*, 5(7), 107–115. <https://doi.org/10.55942/pssj.v5i7.513>
- Ahmmad, M., Shahzad, K., Iqbal, A., & Latif, M. (2025). Trap of social media algorithms: A systematic review of research on filter bubbles, echo chambers, and their impact on youth. *Societies*, 15(11), Article 301. <https://doi.org/10.3390/soc15110301>
- Areeb, Q. M., Nadeem, M., Sohail, S. S., Imam, R., Doctor, F., Himeur, Y., et al. (2023). Filter bubbles in recommender systems: Fact or fallacy—A systematic review. *WIREs Data Mining and Knowledge Discovery*, 13(6), Article e1512. <https://doi.org/10.1002/widm.1512>
- Arora, S. (2026). Family communication in the era of algorithm-driven social media: A qualitative study of women across age groups. *International Journal of Global Mental Health, Innovation, Policy, Action, Culture & Transformation*, 2(1). <https://doi.org/10.61113/impact.V2I1.1253>
- Bakshy, E., Messing, S., & Adamic, L. A. (2015). Exposure to ideologically diverse news and opinion on Facebook. *Science*, 348(6239), 1130–1132. <https://doi.org/10.1126/science.aaa1160>
- Bucher, T. (2018). *If...then: Algorithmic power and politics*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190493028.001.0001>
- Cinelli, M., De Francisci Morales, G., Galeazzi, A., Quattrociocchi, W., & Starnini, M. (2021). The echo chamber effect on social media. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 118(9), Article e2023301118. <https://doi.org/10.1073/pnas.2023301118>
- Dubois, E., & Blank, G. (2018). The echo chamber is overstated: The moderating effect of political interest and diverse media. *Information, Communication & Society*, 21(5), 729–745. <https://doi.org/10.1080/1369118X.2018.1428656>
- Fletcher, K., Rosas, C., Li, J., MacIntosh, H., & Eaton, A. (2025). Love in the age of rage: A scoping review on the impacts of misinformation, conspiracy theories and political polarization on intimate relationships. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 24(4), 411–430. <https://doi.org/10.1080/15332691.2025.2546607>



- Flaxman, S., Goel, S., & Rao, J. M. (2016). Filter bubbles, echo chambers, and online news consumption. *Public Opinion Quarterly*, 80(S1), 298–320. <https://doi.org/10.1093/poq/nfw006>
- Gulevich, O. A., & Semiletova, L. A. (2026). How does ideological polarization affect family relationships? The role of perceived psychological climate. *Social Psychology and Society*, 17(1), 41–59. <https://doi.org/10.17759/sps.2026170103>
- Hart, W., Albarracín, D., Eagly, A. H., Brechan, I., Lindberg, M. J., & Merrill, L. (2009). Feeling validated versus being correct: A meta-analysis of selective exposure to information. *Psychological Bulletin*, 135(4), 555–588. <https://doi.org/10.1037/a0015701>
- Liester, M. B. (2026, January 23). How social media is destroying families. *Psychology Today*. <https://www.psychologytoday.com/us/blog/the-leading-edge/202601/how-social-media-is-destroying-families>
- Nickerson, R. S. (1998). Confirmation bias: A ubiquitous phenomenon in many guises. *Review of General Psychology*, 2(2), 175–220. <https://doi.org/10.1037/1089-2680.2.2.175>
- Nolan, R., & Velasco, A. (2026). Identifying the impact of digital media habits on family cohesion. *Applied Family Therapy Journal*, 7(1), 1–10. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.5026>
- Pariser, E. (2011). *The filter bubble: What the Internet is hiding from you*. Penguin Press. <https://www.penguinrandomhouse.com/books/309214/the-filter-bubble-by-eli-pariser/>
- Petrova, K. (2025, December 8). New study finds political differences predict lower relationship quality. *PsyPost*. <https://www.psypost.org/new-study-finds-political-differences-predict-lower-relationship-quality/>
- Raza, M. (2025). Parental social media engagement and family communication: A quantitative study on emotional cohesion and relational disruption. *JMIR Human Factors*. <https://doi.org/10.2196/74342>
- Statista Research Department. (2025). Daily time spent on social networking by internet users worldwide from 2012 to 2025. *Statista*. <https://www.statista.com/statistics/433871/daily-social-media-usage-worldwide/>
- Sunstein, C. R. (2017). *#Republic: Divided democracy in the age of social media*. Princeton University Press.
- Tammisalo, K., & Rotkirch, A. (2022). Effects of information and communication technology on the quality of family relationships: A systematic review. *Journal of Social and Personal Relationships*, 39(9), 2724–2765. <https://doi.org/10.1177/02654075221087942>



Tariq, A., Muñoz Sáez, D., & Khan, S. R. (2022). Social media use and family connectedness: A systematic review of quantitative literature. *New Media & Society*, 24(3), 815–832.

<https://doi.org/10.1177/14614448211016885>

Van Duyn, E. (2025). Negotiating reality: How mis/disinformation shapes romantic relationships. *New Media & Society*. Advance online publication.

<https://doi.org/10.1177/14614448251367017>

Van Duyn, E. (2026). *Hearts divided: How politics shape our closest connections*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/9780197820865.001.0001>

Zuiderveen Borgesius, F. J., Trilling, D., Möller, J., Bodó, B., de Vreese, C. H., & Helberger, N. (2016). Should we worry about filter bubbles? *Internet Policy Review*, 5(1).

<https://doi.org/10.14763/2016.1.401>

